



m.ilbeigi@yahoo.fr

xalvat.info

نشر دیگران

از نگاه فریدون ایل بیگی	کتاب خانه خلوت	نشر دیگران	از نگاه دیگران	از این و آن نارنما	ایران در نشریات فرانسوی زبان
از نگاه م. ایل بیگی	آگاهی نامه	آوا و نما	عکسها و طرحها	فرستاده های دیگران	صفحات اول نشریات سالیان پیش

۸۳۴

مصاحبهء "تهرانمصور" با ایرج اسکندری



فهرست

۳۵	مصاحبه با ایرج اسکندری	۱۸	۳	مقاله حسین رهرو	کاریکاتور
۴۰	سینما	۱۹	۴	شاه هنوز بارهبران ...	تلفن خوانندگان
۴۱	افغانستان به کجا می رود ؟	۲۰	۵	چدهوشتی از انتقاد ؟	کلام نخست
۴۶	مطبوعات پس از انقلاب	۲۲	۶	سخن کاسترو باروشنفران	صفحات اخبار ایران
۴۸	نامه ها	۲۶	۱۰	تحریم تنباکو ، تمام ناتمام	مقاله احمد شاملو
۵۰	پراکنده ها	۳۰	۱۴	مصاحبه با جلال طالبانی	مقاله محمود مهنود
		۳۴	۱۶	شعر	صفحات ویژه قانون مطبوعات

گفت و گو و جدلی هوشمندانه با ایرج اسکندری (۱)

من همواره بر استقلال حزب توده تأکید داشته‌ام

آزادی از زندان یکی از بنیان‌گذاران حزب توده بود و به اتفاق پیشه‌وری مراسم اول حزب را نوشت. از شهریور ۳۰ تا سال ۳۶ که از ایران مهاجرت کرد فعالیت سیاسی او به عنوان یکی از اعضای کمیته مرکزی و هیأت اجرائیه از او یکی از چهره‌های برجسته حزب را ساخت و در همین دوران بود که او وکیل مجلس دوره چهاردهم از مازندران و وزیر پیشه و هنر در کابینه قوام‌السلطنه شد. پس از تشکیل پرونده‌های مبنی بر اینکه او در مقاومت مسلحانه کارگران زیراب که به شهید شدن عده‌ای از کارگران مبارز و پیشرو منجر شد دست داشته است مدتی مخفی بود و سپس از ایران مهاجرت کرد.

ایرج اسکندری در مهاجرت همچنان یکی از اعضای رهبری حزب بوده و مدتی نیز دبیرکل حزب توده بود. . . . و هم‌اکنون نیز عضو کمیته مرکزی و هیأت اجرائیه حزب توده است.

ایرج اسکندری کتاب ارزشمند و سنگین کابینال (سرمایه) اثرمارکس را ترجمه کرده است و تالیفات دیگری نیز دارد و هم‌اکنون نیز درباره چگونگی تبدیل جامعه اشتراکی اولیه به جامعه طبقاتی در ایران تحقیق میکند.

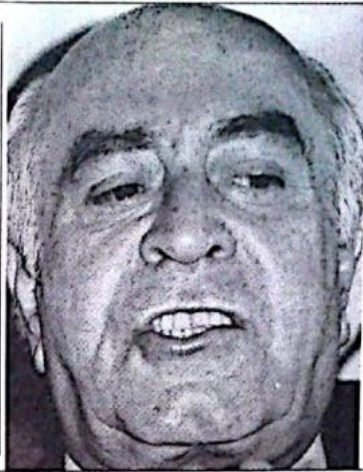
ایرج اسکندری در طول حیات سیاسی خود بارها علیه انحرافات رهبری مبارزه کرده است. شنیده بودیم که او انتقاداتی در مورد گذشته حزب و سیاستهای فعلی آن در حزب مطرح کرده است. گفتگو با او چه از نظر روشن شدن تاریخ ایران از زبان یکی از فعال‌ترین چهره‌های صحنه سیاست چه از نظر آشنا شدن با نظرات بخشی از رهبری حزب توده می‌تواند آموزنده باشد. . . ما گفتگو را به دو بخش تقسیم کرده‌ایم.

بخش دوم برداشتهای اسکندری از تاریخ گذشته ایران را در بردارد که هفته آینده جاب خواهد شد.

ایرج اسکندری در میان رهبران حزب توده و پایه‌گذاران جنبش مترقی و ملی چهره‌ای برجسته و شناخته دارد. پدرش یحیی میرزا، از پیشاهنگان جنبش مشروطه بود. محمدهای میرزا پس از کودتای خود علیه مجلس انقلابی، یحیی میرزا را همراه با مبارزترین و بهترین فرزندان انقلاب به زنجیر کشید و کسروی در تاریخ مشروطه شهادت و پایبندی یحیی میرزا را در کنار صوراسرافیل و . . . با ستایش فراوان تصویر کرده است، آنجا که در زندان باغشاه یحیی میرزا از انقلاب فرانسه بی‌گردد و تازیانه مدام شکه‌جه نمی‌تواند زبان حق را کوتاه کند و یحیی میرزا با پایبندی خود کلام را تقدیس میکند پس از آزادی از زندان یحیی میرزا در بیل سوار در تبعید مرد. ایرج اسکندری در مدرسه سیاسی درس خوانده است، با هدایت میرزا علی‌اکبرخان دهخدا که درس وطن‌پرستی را با شور مردم‌خواهی به شاگرد خویش یاد داده است. ایرج اسکندری تحت تأثیر مبارزات گسترده ملت ایران علیه قرارداد ننگین ۱۹۱۹ و جنبش مقاومت در زمان اشغال ایران توسط قزاق است. آری انگلیس به سیاست روی آورد و شخصیت او در محیط پرشور مبارزات ملی و خانواده‌ای که یحیی میرزاها و سلیمان میرزاها را همچون چهره سازان تاریخ تربیت کرده بود شکل گرفت.

مجلس انقلابی به دلیل شهادت پدر برای او ماهانه‌ای ۵۰ تومانی تعیین کرد و او با خرج ملت در فرانسه دکترای حقوق و اقتصاد گرفت. در فرانسه عمویش سلیمان میرزا اسکندری او را با مرتضی علوی آشنا کرد و ایرج اسکندری از طریق مرتضی علوی با دکتر ارانی آشنا شد و در انتشار روزنامه پیکار با او همکاری کرد. در بازگشت به ایران و در زمان دیکتاتوری سیاه رضاشاه او و دیگر اعضای گروه ۵۳ نفر مبارزات خود را علیه دیکتاتوری و استعمارگسترش دادند و سرنوشت ایرج اسکندری از این پس با تاریخ ایران عجن شد. پس از





* بازرگان يك سرمايه‌دار صاحب صنعت است .
 * دولت نماینده بورژوازی ملی و امام نماینده خرده بورژوازی است ، ما از امام پشتیبانی می‌کنیم .
 * در قانون اساسی نباید به روحانیان امتیاز خاصی داد .

ساله نایب جهت عمده مبارزه است ؛ یعنی مبارزه ضد امپریالیستی . ما متقدیم که مبارزه ضد امپریالیستی در شرایط کنونی اساسی‌ترین حرکت را سامان می‌دهد .

اما حزب توده در برابر اقدامات ضد دموکراتیک نیرو های انحصارطلب هیچگونه موضع انتقادی ندارد مثلا در مورد تحریم مطبوعات یا حمله و تهاجم به آزادیهای سیاسی و اجتماعی . در حالیکه این‌گونه اقدامات بطور پنهان و یا آشکار از طرف شورای انقلاب حمایت می‌شود . چرا حزب توده در برابر این اقدامات ضد دموکراتیک سکوت کرده است ؟

در ایران يك جریان انقلابی وجود دارد . مرحله اول آن یعنی از بین بردن دیکتاتوری شاه و سرنگونی سلطنت به پیروزی رسیده است .

انقلاب به تمام مردم تعلق دارد و امام رهبر مردم است . تا وقتی که امام در موضع ضد امپریالیستی قرار دارد ما باید از او پشتیبانی کنیم . انقلاب ایران دو محتوی دارد : ضد امپریالیستی - ضد دیکتاتوری - دموکراتیک

اما در هر لحظه باید دید که کدام جهت عمده است . در شرایط فعلی همانطور که گفتیم مبارزه بدون آزادی و دموکراسی واقعی به پیروزی نخواهد رسید . در حقیقت مبارزه برای آزادی و مبارزه برای استقلال دو روی يك سکه‌اند . اما جهت عمده مبارزه ، مبارزه ضد امپریالیست است و بر همین اساس ما از امام پشتیبانی می‌کنیم .

این درست است که آنها ما را قبول ندارند اما ما آنها را قبول داریم لیکن این پشتیبانی نباید به معنی تأیید همه‌جانبه باشد . ما از دموکراسی و حقوق دموکراتیک ملت نیز باید دفاع کنیم و اگر چنین بنظر نمی‌آید حتماً اشتباهانی شده است که جزیی است .

چگونه می‌شود با امپریالیزم مبارزه کرد و در عین حال دیکتاتور و انحصارطلب بود ؟ فکر نمی‌کنید برای مبارزه با امپریالیزم ما به دموکراسی و شرکت کلیه نیرو های مبارز در امر انقلاب نیازمندیم و آیا عملیات ضد دموکراتیک به وحدت خلق در برابر امپریالیزم ضربه نمی‌زند ؟

این درست است . دموکراسی و استقلال دو مفهوم جدائی ناپذیرند و نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد باید برای هر دو مبارزه کرد .

اما حزب توده از آزادیهای ملت دفاع نمی‌کند و در برابر اقداماتی مثل تحریم مطبوعات حمله به مطهرات و ... واکنشی نشان نمی‌دهد ؟

چه نیروهایی و چرا مانع تحقق ضرورتی‌ترین امر انقلاب یعنی اتحاد خلق و نیروهای مبارز هستند ؟

به نظر من مقداری عدم درک واقعیت سیاسی در کار است . قضاوتهای قبلی ، پیش‌داوریه ، ارزیابی نادرست ، انحصارطلبی ناشی از ارتجاع داخلی ، مسائل شخصی ، تحریکات امپریالیزم و ... اینها مانع اتحاد نیروها است .

حزب توده ، شورای انقلاب را تأیید می‌کند ، حال آنکه از طرف همین شورا نه تنها برنامه‌ای برای اتحاد با حزب توده وجود ندارد بلکه نوعی مبارزه ضد چپ نیز از سوی برخی عناصر آن بیخ می‌شود و اساسا این شورا با هر نوع همکاری با کلیه نیروهای غیر مذهبی مخالف است . شما این وضعیت را چگونه توضیح می‌دهید ؟

هر گروه سیاسی که از طرفی اتحاد و وحدت را تبلیغ کند و از سوی دیگر عده‌ای را از این اتحاد کنار بگذارد ، هر نیرویی که بخشی از خلق را علیه بخش دیگر آن بیخ کند ، موضع نادرست و ضد انقلابی اتخاذ کرده است ، امام بارها گفته است « همه با هم » و این به معنی اتحاد کلیه نیروهای مترقی و مردمی صرف نظر از اعتقادات مسلکی و عقیدتی آنها است اگر تبعیض نسبت به يك گروه یا مسلک خاص قائل شوند این دیگر همه با هم نیست بلکه « همه با هم » منهای فلان گروه یا فلان اعتقاد است . آنچه امروز وجود دارد بعضی‌ها با بعضی‌ها است ، نه همه با هم !

تأیید شورای انقلاب به صورت مطلق و بی‌قید شرط از طرف حزب توده را چگونه توجیه می‌کنید ؟

آقای اسکندری حال که پس از سالها مهاجرت به میهن بازگشته‌اید اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران را چگونه می‌بینید ؟

در کشور ما ، يك انقلاب بزرگ خلقی بوقوع پیوسته است . ولاجرم تنوع عقاید و نظریات نیز وجود دارد . در این انقلاب بزرگ خلقی ، کلیه مردم کشورمان ، در یک نقطه و بر اساس يك محور ، یعنی « سقوط رژیم پهلوی » متحد شدند و تمام مردم با کمال خلوص و فداکاری متفقا در این اتحاد بزرگ مبارزه کردند اما علیرغم این اتحاد نمیتوان گفت که میلیونها نفوس کشور همه از يك طبقه و يك قشرند ... نه طبیعی است که پس از پیروزی انقلاب نظریات مختلف عنوان شود . تنوع و اختلاف عقیده امری کاملا طبیعی است و تنها عیب اوضاع موجود این است که پس از آشکار شدن تفاوت عقاید ، به يك نکته مهم که در موفقیت انقلاب سهم اساسی داشت توجه نشد و آن این که انقلاب در نتیجه اتحاد همه مردم عملی شد و به پیروزی رسید . اگر کلیه گروههای سیاسی بر اساس برنامه‌ها و مسائل مشخص مورد توافق ، متحد نشوند و به برنامه‌ای بر اساس پیشرفت کشور در مراحل بعدی دست نیابند انقلاب درجا زده و سیر آن کند می‌شود - دشمن متحد است و متحد عمل میکند و زمانی که بخواهد ضربه بزند ، ضربه را محکم خواهدزد . در شرایط فعلی عدم اتحاد نیروهای ترقی خواه سایه بزرگی است .

محور اصلی مبارزه در ایران امپریالیزم و ارتجاع داخلی است و برای پیروزی ، اتحاد فشرده صفوف خلق و نیرو های ترقی خواه امری ضروری و اساسی است . اما این اتحاد وجود ندارد . به نظر شما



27/11/2000

مطر شخص من این است که حزب باید بطور مستمر از حقوق دموکراتیک مردم حمایت و دفاع کند. تحریم مطبوعات از طرف هر مقامی که باشد حمله به آزادی است.

پس چرا حزب، در تظاهراتی که از طرف نیروهای مبارز ضد امپریالیست برای دفاع از آزادی مطبوعات برگزار شد شرکت نکرد؟

من در این تصمیم وارد نیستم، درجرات نبودم... هر چند من عضو هیات اجرائیه حزب هستم اما نمی‌دانم. شاید حزب فکر کرده است که این تظاهرات علیه آیت‌الله خمینی است و نخواست است که این تصور را از خود بدست دهد که با شورای انقلاب مخالف است. بهرحال اگر اشتباهی وجود دارد باید تصحیح شود. به نظر من حزب توده باید از آزادیها و حقوق دموکراتیک دفاع کند. باید با انحصارطلبی مبارزه کرد. باید در برابر حمله به آزادی مقاومت کرد. اما مبارزه در راه حقوق دموکراتیک باید با توجه به جهت عمده مبارزه کنونی و احساس مسئولیت در برابر اقدامات ضد انقلاب انجام شود.

چرا حزب توده با سایر نیروهای

چپ و دموکراتیک در برگزاری تظاهرات

اول ماه مه همکاری نکرد و میسر

تظاهرات هواداران خود را در جهت

حزب جمهوری خلق مملعتان سازمان داد.

آقای کیانوری گفته است که یکی از

دلایل این کار این بود که منتهی‌ها

اکثریت دارند. به نظر شما این موضع

درست است؟

من وارد نیستم. نمی‌دانم. به عنوان یکی

از اعضای هیات اجرائیه حزب باید از جریانات

اطلاع داشته باشم، اما در این مورد وارد نیستم

و از چگونگی اتخاذ تصمیم در این باره اطلاع

ندارم. بهتر حال باید کوشید که از هر حرکتی

که در درون نیروهای خلقی و دموکراتیک ایجاد

نکاف می‌کند اجتناب کرد. حزب ما باید سیاست

متحد کننده و جمع کننده داشته باشد. این نظر

شخصی من است.

بین دولت و امام تضادهایی وجود

دارد. شما این تضادها را چگونه تحلیل

می‌کنید و به نظر شما از کدام گرایش

باید پشتیبانی کرد دولت یا امام؟

من جهتی را که به دو حکومتی خاتمه دهد

تقویت میکنم. دولت نماینده بورژوازی ملی است

و امام نماینده خرده بورژوازی شهری و دهقانی.

بورژوازی ملی می‌خواهد جامعه را در چارچوب

یک نظام سرمایه‌داری ممتدل و ممتدل نگه دارد.

من آقای بازرگان را شخصاً نمی‌شناسم. او

سرمایه‌دار و صاحب صنعت است. اما این موضع

یعنی موضع بورژوازی ملی که دولت نماینده

آنت را تایید نمی‌کنیم. ما نمیتوانیم نشان

خودمان را بخوریم و حلیم مثنی باقر را به هم

بزنیم. مردم انقلاب کرده‌اند و نباید و نمیتوانیم

از تمایلات لیبرال‌مثنی مخالف بورژوازی دفاع

کنیم. ما مدافع مردم هستیم و لذا مواضع درست

خرده بورژوازی را در مقابل بورژوازی تایید

می‌کنیم. اما باید در مقابل انحرافات آن به

ویژه در مورد حمله به آزادی‌های دموکراتیک

مبارزه کرد. در برابر اقدامات ضد دموکراتیک

باید متحداً مقاومت کرد. باید متحد شد. این

اتحاد باید بر مواضع مشخص و برنامه‌های معین

صورت بگیرد. اتحاد نیروها باید وحدت عمل

در نقاط مشخص باشد که سرانجام و به تدریج

به تشکیل جبهه ضد امپریالیستی منجر خواهد شد.

شما از طرفی طرفدار از بین رفتن

دو حکومتی هستید و این به معنی گاست

شدن قدرت امام و کمیته‌ها است و نوعی

حمایت از دولت و از طرف دیگر تاکید

می‌کنید که در مقابل دولت از اسام

پشتیبانی می‌کنید این تناقض را چگونه

توجیه می‌کنید؟

چنین تضادی وجود دارد و انعکاس آن در

سیاست حزب نیز هست ما بارها از بازرگان و

یزدی و... انتقادات جدی کرده‌ایم... ما امام

را تایید می‌کنیم و دولت نیز منتخب امام است

و حزب مجبور است که از دولت دفاع کند. به

هر حال ما منتظر قانون اساسی هستیم ولی اگر دو

قدرتی از بین نرود خیلی خطرناک است.

در قانون اساسی آینده احتمالاً

امتیازات خاصی برای روحانیون قابل

خواهند شد و این در قالب شورای نگهبان

قانون اساسی مطرح شده است. آیا

شما با دادن این نوع امتیازات بسا

روحانیون موافقت می‌کنید؟

حزب ما نمیتواند طرفدار چنین چیزی باشد.

هیچ قدرت قانونی مافوق مجلس منتخب مردم

نباید وجود داشته باشد. بهرحال ما تصمیم

گرفته‌ایم اصول قانون اساسی را تدوین و ارائه

کنیم. اگر قانون اساسی جدید حداقل حقوق

دموکراتیک و ضد امپریالیستی را تدوین نکند ما

نمی‌توانیم با آن موافقت کنیم.

نیروهای چپ و ترقی‌خواه حزب

توده را یک حزب ملی تلقی نمی‌کنند و

اعتقاد دارند که این حزب وابسته به

شوروی است و انترناسیونالیسم را در

قالب وابستگی درک می‌کند نه هستی

انقلابی. و نسبت به شوروی سیاست

تالیذگری مطلق دارد. آنها نمونه‌هایی

نیز مطرح می‌کنند مثل نالید معامله

اسلحه بین شوروی و شاه، حمایت از

اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی،

مخالفت با مصدق و ملی شدن نفت و...

فکر می‌کنید این اتهامات درست است؟

این مسائل قابل مذاکره است... اتهام

وابستگی، اتهام تازه‌ای نیست. حزب ما در عین

انترناسیونالیست بودن سازمان مستقلی است و

من معتقد هستم که اتهام وابستگی، اتهام صحیحی

نیست، هر چند ممکن است در برخی موارد

اشتباهاتی رخ داده باشد... در مورد نمونه‌های

تاریخی که ذکر کردید بله در این موارد پاره‌ای

اشتباهات رخ داده است. به نظر من اشتباهات را

باید خیلی صاف و صریح و ساده و بدون توجه

پذیرفت و اصلاح کرد. ما نباید اشتباهات را

توجیه کنیم. این به ضرر حزب توده و کلیه

نیروهای مترقی و چپ است. اما باید توجه

داشت که اینگونه اشتباهات طبیعی است، زیرا

هیچ حزبی نیست که در حیات سیاسی خود

اشتباه نکرده باشد. به نظر من کشور های

سوسیالیستی، کشورهای مترقی هستند. باید از

آنها، پشتیبانی کرد و آنها نیز باید صادقانه

و بدون چشم‌داشت از جنبشهای ملی و انقلابی

حمایت کنند. این حمایت باید بدون قید و شرط

باشد، اما مساله برسر این است که نباید از هیچ

کس دنباله‌روی کرد. باید بین پشتیبانی و تأیید

یک‌جانبه فرق گذاشت. تأیید مطلق درست نیست.

من که خود عمیقاً و دارای چنین عقیده‌ای هستم

اگر در حزب توده مانده‌ام برای آنت است که حزب

توده را هنوز حزب مستقل و ملی می‌دانم، اگر

غیر از این بود نمی‌توانستم در آن بمانم.

من احساس می‌کنم که شما انتقاداتی

از حزب دارید که نمی‌خواهید صراحتاً

بیان کنید. حرفهایی در مورد رابطه

با کشورهای سوسیالیستی گفتید نظر

خودتان است یا نظر حزب با توجه به

اینکه حزب اغلب نمونه‌های بالا را توجیه

می‌کند؟

من همیشه بر اشتغال حزب تاکید داشته‌ام

و همیشه نظر خود را در حزب مطرح کرده‌ام و

خواهم کرد. حزب یک ارگانیم زنده است و

رهبری آن جمعی است لذا هر کس حق دارد نظر

خود را مطرح کند باید تمام مسائل را از سو

ارزیابی کرد.

آقای اسکندری شما معامله اسلحه

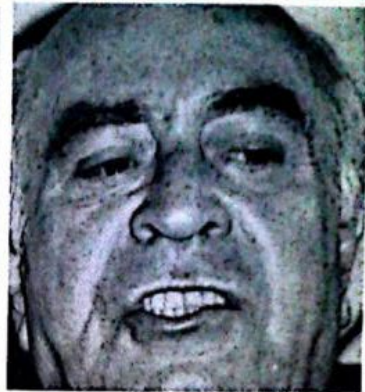
شوروی - شاه را محکوم می‌کنید اما

حزب توده هنوز عمل خود را نالید و

توجیه می‌کند آقای کیانوری در مساحه‌ای

با محله ما این را صراحتاً بیان کرد و

ایشان دبیر کل حزب هستند.



بیانید مسائل را از هم نمیکشیم ... راجع به تأیید فروش اسلحه ، حزب این عمل را تأیید کرد . فرض کنیم همانطور که گفتیم این کار اشتباه بود ، این را باید بررسی کرد ... حزب فقط يك مقاله در این مورد نوشت و بعدها هم دنباله آنرا رها کرد . اما این اشتباه دلیل آن نیست که بگوئیم حزب توده عامل خارجی است ، نه ، حزب عامل خارجی نیست اما ... زمانی که ایران اشغال بود آقای کیانوری در مجله دنیا نوشت که منافع مشروع متفقین در ایران باید حفظ شود . آیا این اعتقاد که متفقین منجمه شوروی در ایران منافع مشروعی دارند نظر حزب است یا نظر شخص ایشان ؟ حزب چنین اعتقادی نداشته و ندارد . قبل از ادامه بحث می‌خواستم این پرسش را مطرح کنم که چرا با وجود اینکه هیات اجراییه و رهبری حزب توده در گذشته اشتباهات زیادی مرتکب شده است ، همچنان همان افراد در رأس حزب هستند . مثلاً آقای کیانوری دبیرکل حزب ... آیا مدعی در این کار است و یا اشاره از جالی ؟

عدی در کار نیست . این مربوط به اوضاع داخلی حزب است و البته ... حزب سالها در خارج بوده است و مجبور به فعالیت در محیط محدود . وقتی محیط محدود باشد و افراد کم حزب در مهاجرت ، به يك حوض یا يك برکه آب محدود تبدیل می‌شود و مجبور است دائماً دور خودش بچرخد . اما در شرایط فعلی همه چیز تغییر کرده است . ما در ایران در مرحله کنونی در حال ساختن حزب هستیم . ما دیگر پیر شده‌ایم ، باید کادر جوان و جدید و فعال سرکار بیاید . تنها کار ما این بود که حزب را در شرایط سخت زنده نگهداشتیم و نگذاشتیم از بین برود .

صحبت از دستگاه رهبری حزب توده شد آقای اسکندری شما مدتی دبیرکل

حزب بودید . با توجه به انتقاداتی که در گذشته داشته‌اید و یا هم اکنون مطرح می‌کنید آیا این شایعه درست است که علت برکناری شما و انتصاب آقای کیانوری به علت استقلال‌طلبی شما بوده است ؟ البته در هر حزبی اختلاف نظر بین افراد همیشه وجود دارد . تصمیم برکناری من از دبیرکلی حزب در يك جلسه هیات اجراییه صورت گرفت . البته بایستی این کار را در طی يك قطعنامه با ذکر انتقادات می‌کردند اما ... پس دلیل برکناری شما چه بود ؟ چرا آنها این کار را کردند ؟

چرا این را می‌دانم ... باید اکثریت تصمیم‌گیرنده توضیح دهند . یعنی به اشاره روسها نبود و اینکه شما در مواردی از سیاستهای آنها مانند درخواست امتیاز نفت شمال یا قضیه آذربایجان انقاد داشتید ؟

جواب همانست که قبلاً عرض کردم میدانید ... آیا اسالین در تعیین افرادی که باید رهبران احزاب کمونیست کشور های دیگر باشند دخالتی داشت یا نه . در آن زمان کمترین مداخله می‌کرد . البته بعد از کمترین مداخلاتی بوده است ، اما من اسم آرا مداخله نمی‌گذارم روابط دوستانه و برادرانه است .

نیرو های چپ مخالف حزب توده می‌گویند که در حزب دموکراسی نیست و باید آقای کیانوری همه تصمیمات را می‌گیرد . این درست است ؟

آنها باید حرف خود را مستدل بنویسند . آنگاه اگر چنین چیزی در حزب توده وجود داشته باشند ، اعضای حزب واکنش نشان خواهند داد .

خسرو روزبه انتقاداتی نسبت به حزب مطرح کرده بود و حتی پیشنهاد اخراج بعضی از اعضای رهبری را داده بود ، چرا به این انتقادات توجه نشد ؟

اکثریت هیات اجراییه با پیشنهاد او مبنی بر اخراج قاسمی از حزب مخالفت کردند . هرچند بعدها ثابت شد که قاسمی فردی ضد حزبی بوده است البته ...

آقای کشاورز عضو سابق کمیته مرکزی حزب توده در کتابی به نام من مهم می‌انم ایهامانی به رهبری حزب توده به ویژه باید قاسمی - کیانوری مطرح می‌کند . به نظر شما این اتهامات درست است ؟

کشاورز می‌خواهد خود را از تمام اشتباهات حزب تبرئه کند و انحراف را بدیگران نسبت

دهد . او فرد بی‌غرضی نیست . جاه‌طلب و خودمدار است . اما حرفهای بسیار درستی هم زده است و واقعینهای زیادی را هم مطرح کرده است . اما به علت غرض‌ورزی فاکتوهای او بدون آلودگی به انحراف نیست . او بدون اجازه حزب به بغداد و الجزایر و بعد به چین رفت و انتصاب مائوتسی را که به سازمان انقلابی حزب توده ، معروف شد او بوجود آورد ، اما پس از يك هفته از همان دارو دست نیز اخراج شد .

می‌توانم این نتیجه را بگیرم که در حزب توده باندبازی راجح است ؟

می‌توان انکار کرد که از مذهبهای برخی پدیده‌های نادرست از قبیل باندبازی در حزب ما وجود داشته است که حتی پلومهای کمته مرکزی ما به آن اشاره کرده است . در شرایط فعلی امیدوارم که تغییراتی در حزب ایجاد شود .

در مورد سیاستهای جاری حزب آیا تمام اعضای رهبری این سیاستها را تأیید می‌کنند ؟

نه اختلاف نظر هست . این طبیعی است اما اختلاف نظر بر اساس نظر اکثریت حل می‌شود . بنظر شما حزب توده يك حزب طراز نوین طبقه کارگر است ؟

نه هنوز نه . این یک پدیده خلق الساعه نیست ، اشتباهاتی از قبیل فراکسیون‌بازی عدم پیوند تشکیلاتی و ... وجود دارد .

حزب توده در زمان ملی شدن نفت و مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران با شعار ملی شدن نفت مخالفت کرد و خواهان اعطای امتیاز نفت شمال به روسها بود . حزب توده با دکتر مصدق رهبر ملی ایران نیز مخالفت کرد و او را عامل آمریکا می‌دانست به نظر شما چرا حزب این اشتباهات را مرتکب شد ؟

سیاستهای ما در مواردی که ذکر کردید کاملاً اشتباه بود . من همان زمان یعنی در دوره مبارزات ملی‌شدن نفت نیز اینرا گفتم زیرا شمار ما یعنی شمار لادو قرارداد نفت جنوب در برابر شمار مصدق و ملت‌شمار کاملاً نادرستی بود . از طرفی چون مصدق با دادن نفت شمال به روسها مخالفت کرده بود . این تصور نادرست در رهبری حزب بوجود آمد که او عامل امریکا است ما در پلنوم چهارم کمیته مرکزی این اشتباهات را قبول کردیم و گفتیم که حزب توده بورژوازی ملی و مصدق را درست نشاخت . این فکر که مصدق آمریکائی است بویژه از طرف قاسمی و نزدیکان او در حزب مطرح شد .

تجدد از محمود

جمعه اول تیر ماه ۱۳۵۸ - شماره ۲۲ - سال سی و هفتم

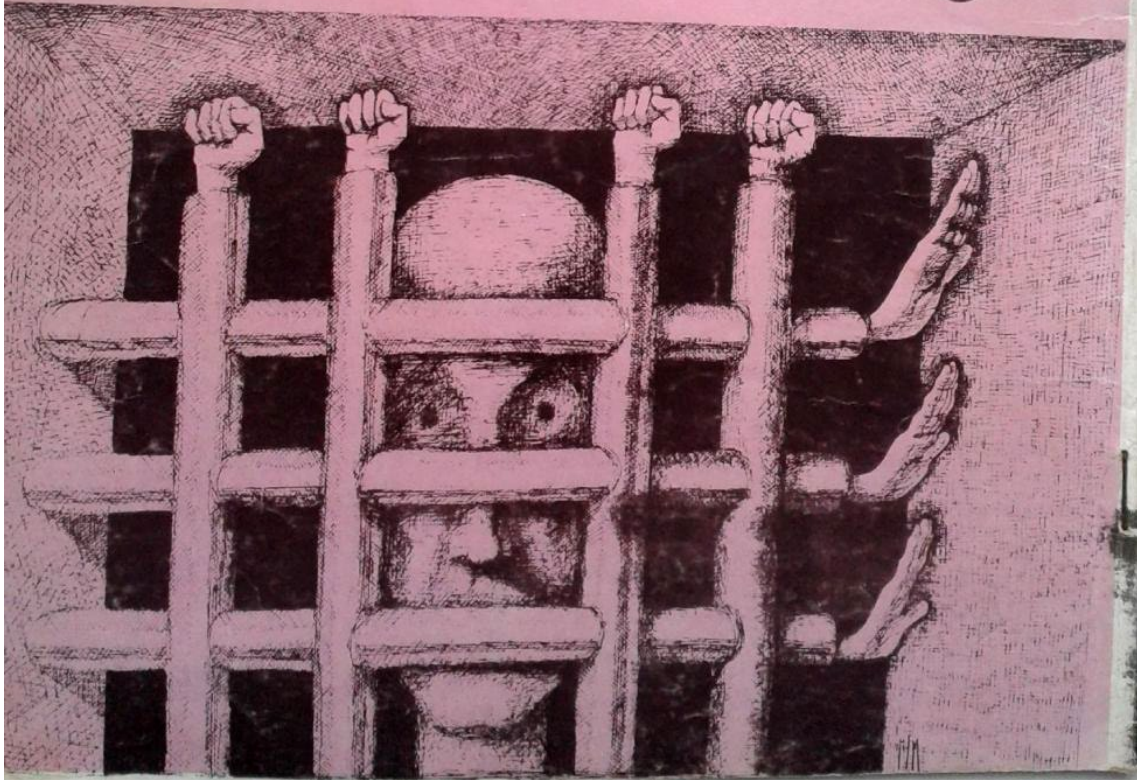


اساسه فرمعماری :
**من در فراندوم قانون
 اساسی شرکت نمی‌کنم**

برنامه طلوع خورشید لغو شده است ! -
 مقاله‌یی از احمد شاملو

نظریاتی پیرامون :
 پیش‌نویس قانون اساسی

این سند آزادی ملت نیست



فهرست

۳۵	مقاله احمد شاملو	۲۰	کارخانه‌ها را ملی کنید	۳	کاریکاتور داریوش رادپور
۳۸	مقاله مسعود بهنود	۲۲	مصاحبه با ایرج اسکندری	۵	تلفن خوانندگان
۴۰	مقاله احمد کی‌نژاد	۲۶	صفحات جهان	۶	یادداشت‌های کوچک انقلاب
۴۲	مقاله عبدالله والا	۲۸	نامه‌ها	۸-۱۵	صفحات ایران
۴۶	نگاهی به مطبوعات پس از انقلاب	۳۰	شعر	۱۶	گزارش سمینار دانشگاهیان
۴۸	نظرخواهی درباره قانون اساسی	۳۳	سینما	۱۸	روزنامه‌ها و نشریات تهران
۴۹	پراکنده‌ها	۳۴	یادی از رضا رضانی	۱۹	طرح میزبان فرهنگی

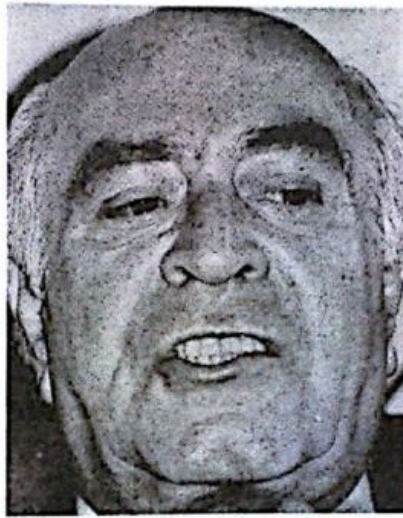
گفت و گوئی با ایرج اسکندری (۲)

کاشانی با شاه همکاری کرد

که قبل از شما دستگیر شده بودند ، اختلافاتی وجود داشت ؟ با توجه به اینکه پشه‌وری که یکی از اعضای حزب کمونیست بود و حاضر نشد عضویت حزب توده را بپذیرد .

بین ما یعنی اعضای گروه ۵۳ نفر و حزب کمونیستها اختلاف نبود . اما میان خود آنها تضادهایی وجود داشت که به ما نمی‌گفتند . بیشتر در زمینه تشکیلاتی بود . راجع به پشه‌وری باید بگویم که او در ابتدا با حزب همکاری کرد . مراسم اول حزب را او و من با هم نوشتیم . اما در کنگره اول با اعتراضنامه او از طرف برخی رفقای قدیمش مخالفت شد . او هم رفت و روزنامه آژیر را راه انداخت و بعد هم جریان فرقه دموکرات را . البته پس از تشکیل حزب تضادهایی در حزب بوجود آمد . مثلا دکتر ایریم و خلیل ملکی که مبارزه را از چپ در درون حزب شروع کردند ، اما در واقع راست بودند .

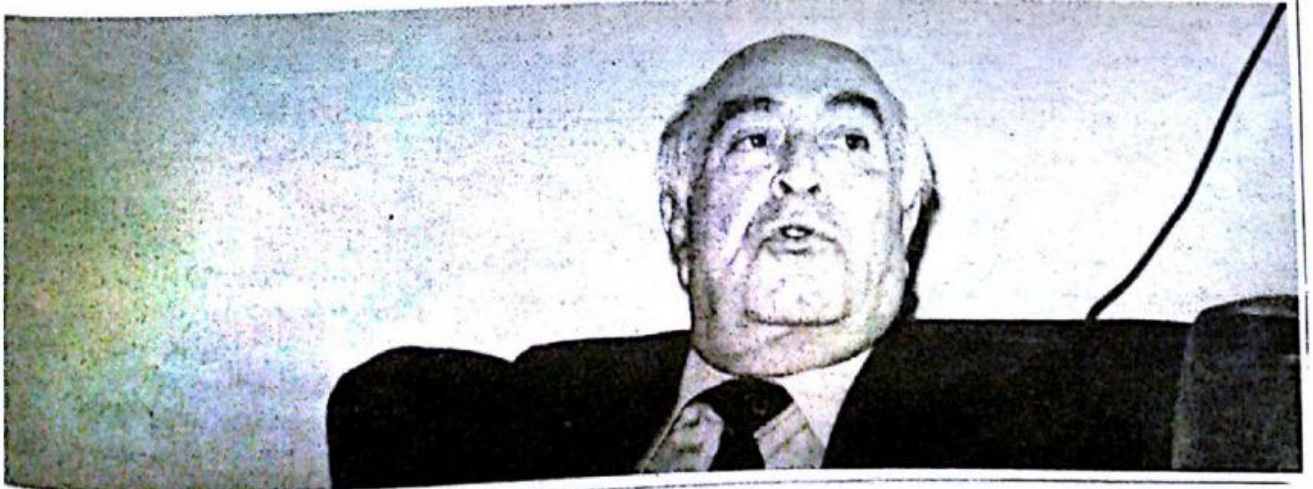
در یکی از مقالاتی که آقای احسان طبری ، عضو کمیته مرکزی حزب شما در آن زمان نوشت ، اصطلاح «حزب شوروی» در ایران را به کار برد و از آن دفاع کرد . آیا این موضع تمام‌حزب



اسکندری که صدر حزب شد ، کمونیست بودند . البته باید تاکید کنم که ما نمی‌خواستیم یک‌حزب سوسیال دموکرات بوجود آوریم بلکه با توجه به شرایط آن دوران مساله تشکیل یک جبهه ضد فاشیستی در درجه اول اولویت قرار داشت . آیا این درست است که در زندان بین گروه ۵۳ نفر و اعضای حزب کمونیست

آقای اسکندری شما یکی از ناظران فعال و از جمله تاریخ‌سازانی بوده‌اید که تاریخ معاصر ایران را ساختند و رنگ خود را به آن دادند ، و می‌دانید که در تاریخ معاصر ایران گوشه‌های مهم فراوان است و بسیاری از چهره‌ها هستند که هنوز نقش آنها روشن نشده است . شما با بسیاری از این چهره‌ها آشنایی داشتید و در بسیاری از این حوادث شرکت . تاریخ به روایت شما برای نسل جوان می‌تواند روشنگر باشد و آورده . اگر موافق باشید از تشکیل حزب توده شروع می‌کنیم که شما یکی از موسسان اولیه آن هستید . حزب توده را چگونه تشکیل دادید و با چه هدفی ؟

وقتی ما از زندان آزاد شدیم در مملکت بحران بود . حزب توده در ابتدا یک حزب کمونیست نبود گرچه تعدادی از ما که از زندان آزاد شده بودیم کمونیست بودیم اما برنامه‌ها حزب و حتی افرادی که عضو حزب می‌شدند این را نشان می‌دهد که هدف ما در مرحله اول ایجاد یک جبهه ضد فاشیستی بود با این امید که از درون این حزب ، حزب کمونیست بوجود بیاید . افرادی مثل الموتی و یا حتی عمویم سلمان میرزا



*** آیت‌الله کاشانی با حزب توده تماس گرفت و گفت اجازه علنی شدن حزب را می‌گیرد و به این شرط که از مصدق حمایت نکنیم * حزب توده می‌توانست کودتای ۲۸ مرداد را شکست دهد اما رفقا جرأت اقدام نداشتند . * بسیاری از افراد نهضت کمونیستی ایران براساس دلائل واهی بدست استالین اعدام شدند .**

بود .
نه ، ما با این اصطلاح مخالف بودیم . البته اگر طبری این را گفته باشد .
عده زیادی از اعضای حزب کمونیست در سالهای قبل از تشکیل حزب توده مجبور شدند به شوروی مهاجرت کنند و برخی از آنها مثل سلطان‌زاد ، و توسط حکومت استالین در شوروی اعدام شدند . دلیل واقعی اعدام آنها چه بود و چرا حزب توده در این مورد هیچ اقدامی نکرد ؟
افرادی که وارد حزب توده شدند ، نسبت به گذشته حزب کمونیست اطلاعاتی نداشتند . ما بعدها فهمیدیم که عده زیادی از افراد برجسته نهضت کمونیستی ایران براساس دلائل واهی در زمان استالین بدست روسها اعدام شده‌اند . در نتیجه اقدامات حزب ما ، از بعضی از آنها پس از مرگ اعاده حیثیت شد .

و جز این هیچ کاری نکند دید ؟
چرا مقاله‌ای هم در دنیا نوشتیم .

تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان و حکومت یک‌ساله پیشه‌وری ، با توجه به حمایت حزب توده از فرقه ، پرشهای بسیاری را برمی‌انگیزد . با این سؤال شروع می‌کنم که چرا حزب توده به اعضای خود در آذربایجان دستور داد که به فرقه دموکرات بپیوندند ؟ حال آنکه یکی از اصول حزب توده سرسری بودن آنت است ؟

بله حزب دستور داد که اعضای آن به فرقه بپیوندند ؟ زیرا در آذربایجان یک جریان انقلابی در حال شکل گرفتن بود ، و نمی‌خواستیم چوب لای چرخ انقلاب بگذاریم . گرچه فرقه دموکرات یک جبهه بود ، نه یک حزب کمونیست . اما بعضی از افرادی که در راس آن بودند کمونیست بودند مثل پیشه‌وری . و البته این حرف درست است که در یک کشور فقط یک حزب کمونیست می‌تواند وجود داشته باشد و ما نیز در مهاجرت می‌یک کنفرانس وحدت با فرقه دموکرات یکی

شدم .
روسها در آغاز از پیشه‌وری حمایت کردند و ارتش خود را در اروپا ، نگه داشتند ، ولی پس از مذاکره با قوام و عده امتیاز نفت شمال ، ارتش خود را از ایران بردند . از این قضیه بطور کلی دو استنباط وجود دارد : یکی آنکه روسها به خاطر گرفتن امتیاز نفت شمال بود که قیام آذربایجان را تقویت می‌کردند و استنباط دیگر می‌گوید که هدف آنها تجزیه آذربایجان از ایران و ایجاد یک آذربایجان واحد بود ؟

ساله آذربایجان هنوز هم خیلی تاریک است . در اینکه باقراف رئیس حزب کمونیست آذربایجان شوروی که با پیشه‌وری روابط نزدیکی داشته و در جریان آذربایجان تقریباً مهمترین فرد بود نظرات ناسیونالیستی و محلی گرایانه نسبت به آذربایجان داشت حرفی نیست . باقراف تمایل داشت که هر دو آذربایجان را متحد کند . البته خیانت‌های باقراف بعدها برهه معلوم شده و در شوروی به اعدام محکوم شد . او خود نیز گویا در دادگاه راجع به جریان آذربایجان و تمایلات خود مطالبی گفته است . اما اینکه باقراف چگونه توانست نظریات خود را اجرا کند و رهبری حزب کمونیست شوروی یعنی استالین را تحت تاثیر خود قرار دهد ، ما نمی‌دانیم . البته واضح است که در آن هنگام بریا که گرجی و وزیر کشور استالین و مورد توجه شخص او بود با باقراف روابط بسیار نزدیکی داشت و شاید باقراف در قضیه آذربایجان از طریق بریا توانسته است نظریات خود را پیش ببرد . بهر حال باقراف در قضیه آذربایجان موثر بود و احتمالاً هدف او تجزیه آذربایجان از ایران و ایجاد یک آذربایجان واحد بود . البته تمام جنبش آذربایجان را نمی‌توان تنها به این جنبه قضیه محکوم کرد . اما ما هنوز نتوانسته‌ایم در باره این موضوع تحقیق دقیقی بکنیم ، زیرا اسناد آنرا هرگز در اختیار نداشتیم . قضیه آذربایجان بقدری مخفی است که ما نمی‌دانیم و هر کسی هم چیزی

این حرفی بزهد بلوف می‌زند . اما تا آنجا که ما اطلاع پیدا کردیم باقراف مستقیم و غیرمستقیم در جریان‌ها مداخلاتی داشته است .

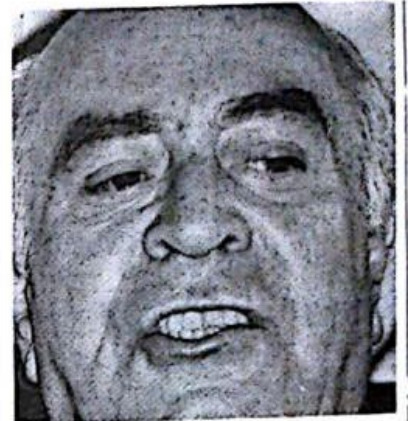
با توجه به مساله نفت شمال و نوع حرکت شوروی در این مورد به نظر شما گرفتن امتیاز نفت در این فاصله مطرح نبود ؟ و بطور کلی حضور ارتش سرخ در ایران همزمان با قضیه آذربایجان را چگونه تعبیر می‌کنید ؟

شاید آنها روی این عامل حساب نکرده بودند . به نظر من آنها امپریالیسم انگلیس را بسیار ضعیف می‌دانستند و راجع به آمریکا نیز در آغاز ماجرا روزولت رئیس جمهور آمریکا بود ، و سیاست خاصی داشت . آنها روی این سیاست حساب می‌کردند اما با مرگ روزولت سیاست آمریکا تغییر کرد و خشونت و تهاجم بیشتری آغاز شد . اما به هر حال اساس ضعف جنبش آذربایجان را باید در داخل نهضت آذربایجان و ضعف نیروهای درونی آنها جستجو کرد .

جنبش آذربایجان در زمانی شروع شد که نهضت ملی شدن و مبارزه ضد امپریالیستی در حال شکل‌گیری بود . فکر نمی‌کنید طرح مساله ملی در آن زمان به وحدت نیروها در مبارزه ضد امپریالیستی ضربه وارد میکرد ؟

به نظر ما مساله ملی باید در یک کسادر سراسری حل شود ، ولی معتقدیم که در بعضی از شرایط می‌توان به تاسیس یک پایگاه انقلابی مانند نهضت آذربایجان دست زد و بعدها آنرا به پایگاهی برای کل نهضت و انقلاب عمومی تبدیل کرد . در مورد خاص آذربایجان باید بگویم حزب ما در این مورد تصمیم نگرفت . این جریان بدون کنترل و نظر حزب ما اتفاق افتاد و ما در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتیم . ما جریان آذربایجان را تدارک نکرده بودیم ، اما وقتی که جریان اتفاق افتاد چون یک نهضت انقلابی بود از آن حمایت کردیم .

در مورد مساله نفت و مخالفت با



شعار ملی شدن نفت در سراسر کشور آيا در حزب هيچ مخالفتی با سياست عمومى حزب وجود نداشت ؟ تا آنجا که من اطلاع دارم قرار بود که ۶ ماه پس از پايان جنگ متفقين از جمله روسها ارتش خود را از ايران ببرند . اما از نظر روسها جنگ با تسليم آلمان تمام نشده بود ، زيرا ارتش شورويها در زاین درگير جنگ بود . آمریکا و انگليس از حضور ارتش روسيه در ايران ناراضی بودند زيرا رفتار ارتش سرخ تائيد بسيار مثبتی بر مردم ايران داشت . مثلا حضور ارتش سرخ در شمال ايران راه را برای رشد و گسترش احزاب مترقى منجمه حزب توده ، هموار کرد . حزب توده در شمال ايران توانست سازمان های خود را بهتر گسترش دهد تا جنوب . در جنوب ايران به جز اصفهان ، حزب توده توانست گسترش چندانی بیابد و این به علت حضور قوای انگليس و آمریکا در آن نواحی بود که مانع هر نوع فعالیت نیروهای مترقى می شدند . بنابراین می توان گفت که حضور ارتش سرخ در ايران نفس مترقى داشت و علت شکست جنبش انقلابی آذربایجان را نباید در نفس شورويها دید . اگر جریان آذربایجان به نتیجه ای نرسید علت آنرا باید در داخل نهضت آذربایجان و فرقه دموکرات جستجو کرد . وضع حکومت پیشه وری از لحاظ اسلحه و قدرت ارتش و روحیه مردم توان مقاومت در برابر ارتش شاه را داشت . می توانست کاملا در برابر هجوم ارتجاع مقاومت کند ، اما نهضت آذربایجان متشکل نبود و مثلا در فرقه دموکرات هرکس می توانست عضو باشد ، يك چنین سازمانی نمی تواند نقش انقلابی خود را در مواقع حساس ایفا کند . علاوه بر این یکی دیگر از علل شکست ، روحیه افرادی بود که رهبری را در دست داشتند . این را هم نباید نادیده گرفت که اگر در

آذربایجان مقاومت جدی می شد ، يك مساله بين المللی بوجود می آمد زيرا امپریالیستهای آمریکا و انگليس در برابر انقلاب در آذربایجان ساکت نمی ماندند و دست به يك تهاجم جدی می زدند .

فکر نمی کنید رهبری قبل از شروع قیام بهتر بود این عامل را در نظر می گرفت ؟

البته که وجود داشت ، هم در داخل رهبری حزب و هم در درون کادرها این نسبت سياست با مخالفهائی وجود داشت اما سياست حاکم هيات اجرائیه مقیم تهران تحت نفوذ قاسمی و بارانتر بود .

بطور کلی مجمع سياست حزب را

در قبال مصدق چگونه ارزیابی می کنید؟ پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب ما سياست حزب را در مقابل مصدق دقیقا بررسی کرد ، تا قبل از ۳۰ تیر موضع ما نسبت به مصدق کاملا نادرست بود ولی بعد از ۳۰ تیر ۳۱ ما سياست حمایت همه جانبه از مصدق را طرح و عمل کردیم . سياست حزب توده را تا ۳۰ تیر در باره دکتر مصدق در قبال مساله ملی شدن نفت نادرست میدانید می خواسته بدانم که نقش شورويها در این مورد چه بود . آیا آنها حزب را تشويق به اتخاذ چنین موضعی نکردند ؟

شورويها در مورد مساله نفت سکوت کردند . از مصدق حمایت نکردند ، اما مخالفت هم نکردند . حتی درخواست امتیاز نفت شمال نیز به این صورت که طرح شد اشتباه بود این امر محتاج بررسی است بویژه آنکه وقوع حادثه در زمان استالین بوده است و دقیقا معلوم نیست انگیزه آن چه بوده است شاید شورويها واقعا امتیاز نمی خواستند . در آلمان ساعد نخست وزیر وقت بطور پنهانی با آمریکا در حال مذاکره بود تا امتیاز نفت شمال را به آنها بدهد . شورويها برای جلوگیری از این کار تقاضای امتیاز کردند ولی ساعد حاضر نشد با آنها مذاکره کند و این برخلاف قراردادهای قبلی بود . ماتپاهراتی تشکیل دادیم که هدف آن برکناری ساعد بود و موفق هم شدیم حزب ما در آلمان این موضع را داشت که اگر دولت با آمریکائيهها مذاکره می کند پس باید با روسها هم مذاکره کند . اما بهرحال این حرکت در آلمان و با توجه به شرایط کلی کشور درست نبود چرا که موضع مصدق مبتنی براینکه به هيچ دولتی نباید امتیاز داد يك موضع درست بود . ما پس از ۳۰ تیر موضع خود را کاملا تصحيح کردیم .

حزب توده با قوام السلطنه اتسلاف کرد و در کابینه او شرکت کرد . منظورم

کابینه دوم قوام است یعنی وقتی که او برای حل مساله آذربایجان به شوروی رفت و با استالین مذاکره کرد و وعده اعطای امتیاز نفت شمال را به آنها داد . خود شما در این کابینه وزیر پسته و هنر بودید شرکت حزب را در کابینه قوام درست در زمانی که با مصدق مخالفت میکرد را چگونه توجیه می کنید ؟

قوام نقش بازی کرد که حزب را وادار به همکاری با خود کرد او قبل از اینکه رای اعتماد بگیرد گفت که میخواهد به مسکو برود و مساله آذربایجان و نفت را با آنها حل کند . ما دیدیم که این موضع بدنیست و باید او را تقویت کرد . باید در نظر گرفت که سياستهای قوام دو مرحله دارد در مرحله اول او با منطق يك اریستوکرات ایرانی فکر کرده بود که شوروی و آمریکا با هم سازش کرده اند و اگر به مسکو برود خود را تقویت کرده و حمایت آمریکا را به خود جلب میکند مرحله دوم وقتی بود که او فکر کرد انگليس و آمریکا علیه شوروی با هم متحد شده اند و لذا سياست دیگری را در پیش گرفت یعنی ما را کنار گذاشت . و این کار را با سياست خاصی کرد وقتی که نهضت آذربایجان اوج گرفت او برای مقابله با انقلاب بکک انگلیسيها جریان شورش عشایر جنوب را براه انداخت در یکی از جلسات هيات وزراء ما گفتیم که ارتش باید جلو پیشروی نیروهای شوروی را بگیرد و همه وزراء نیز پیشنهاد ما را تائید کردند اما پس از مدتی خبر آمد که نیروهای شوروی همچنان به پیشروی خود ادامه میدهند و نیروهای ارتش در پلدختر متوقف شده و دست به هيچ اقدام قاطعی نمی زنند . من قعنه را در هيات وزراء طرح کردم و گفتم که چرا ارتش جلسو تهاجم نیروهای شوروی را نمی گیرد قوام پاسخ داد که وزیر جنگ باید جواب بدهد سبهداحمدی وزیر جنگ گفت : ارتش نوکر دولت است (و به قوام اشاره کرد) دولت بگوید ارتش عمل می کند من گفتم که دولت در جلسه قبل دستورات لازم را به شما داده است سبهد احمدی در برابر اصرار من سه بار همان پاسخ قبل را داد و مافهمیدیم که قوام مانع سرکوبی نیروهای شوروی است . از آن جلسه به بعد ما به عنوان اعتراض در جلسه هيات وزراء شرکت نکردیم و قوام نیز که همین را می خواست بلافاصله استعفا داد و ما را کنار گذاشته کابینه را ترمیم کرد .

می خواستم بدانم که شما چرا در کابینه قوام شرکت کردید ؟

منظور ما از شرکت در کابینه قوام تحکیم وضع دموکراتیک علیه شاه و ارتجاع بود و برای تحقق این هدف ما با حزب ايران ، حزب

جنگل و ... متحد شده و اتحاد ضد دیکتاتوری را بوجود آوردیم . البته ما قوام را می‌شناختیم عویص سلیمان میرزا اسکندری زمانی در باره قوام گفت که او مثل پلنگ است هر کس به او نزدیک شود اول به او چنگ می‌اندازد .

پس از قیام ۳۰ تیر سال ۳۱ حزب

شما به حمایت از مصدق و جنبش ملی پرداخت اما حزب علیرغم اطلاعات بسیار وسیعی که در مورد توطئه‌های امپریالیستی علیه حکومت قانونی و ملی دکتر مصدق داشت و با وجود سازمان نظامی و نیرومند و تشکیلات سراسری هیچ اقدامی برای مقابله با کودتای شاه - آمریکا نکرد چرا ؟

ما از کودتای اول یعنی کودتای ۲۵ مرداد که شاه فرمان عزل مصدق را به نصیری داد اطلاع داشتیم و این جریان را با مصدق در میان گذاشتیم . مصدق نیز به ما اعتماد کرد و طرح دستگیری نصیری را به اجرا گذاشت او به ممتاز دستور داد که اگر کاشی به ملاقاتش آمدند وقتی مصدق اشاره کرد آنها را بازداشت کند . نصیری فرمان عزل مصدق را از نخست‌وزیری به خانه مصدق آورد اما با اشاره مصدق ممتاز او را بازداشت کرد و در نتیجه تدارکاتی که مصدق از پیش انجام داده بود طرح کودتای اول شاه شکست خورد . و شکست آنها در ۲۵ مرداد تا حدی مدیون اطلاعاتی است که ما به مصدق دادیم . ارتجاع پس از شکست طرح اولیه خود متوجه شد که ما از طریق سازمان نظامی خود از کارهای آنها مطلع می‌شویم و لذا آنها محل جلسات خود را از ستاد ارتش به ساختمان اصل ۴ آمریکا منتقل کردند آنها کودتای ۲۸ مرداد را در آنجا طراحی کردند ما دیگر از جریان اطلاعی بدست نیاوردیم . روز ۲۸ مرداد وقتی چماق‌داران راه افتادند ما به مصدق تلفن کردیم ولی او گفت دولت بر اوضاع مسلط است . و در ساعت ۱۱ وقتی دیگر کار از کار گذشته بود ما باز با او تماس گرفتیم و مصدق به ما پاسخ داد که «زمام کار از دست من در رفته است ؟ کسی به حرف من گوش نمی‌کند شما به وظایف ملی خود عمل کنید» انتباه ما درست در این بود که این کار را نکردیم . ما باید از پیش نیروهای خود را آماده می‌کردیم و روز ۲۸ مرداد با بسیج نیروهای خود کودتا را خنثی می‌کردیم . حزب ما در آن زمان آنقدر قوی بود که بتواند کودتا را حداقل در تهران با شکست مواجه کند ما باید اعلامیه‌ای می‌دادیم و از طریق رادیو مردم را به قیام دعوت می‌کردیم اما بدبختانه رفقای ما در ایران جرات این کار را نکردند . اما دبیر کل حزب آقای گیانوری

که خود یکی از اعضای مؤثر هیات اجراییه حزب مقیم ایران در ۲۸ مرداد بود . عقیده دارد که حزب نمیتوانست در ۲۸ مرداد عمل کند .

من چنین چیزی نشنیدم اما آنچه که گفتم، مصوبه پلنوم کمیته مرکزی است . آیت‌الله کاشانی یکی از کسانی بود که در آغاز جنبش ملی با مصدق همکاری می‌کرد او بعدها از او کناره گرفت . این روزها سعی میشود که از کاشانی یک روحانی مبارز بسازند نقش ایشان در کودتای ۲۸ مرداد چه بود ؟

آیت‌الله کاشانی به مصدق خیانت کرد اینکار او هم به انگیزه طبقاتی بود هم ناشی از قدرت‌طلبی شخصی ما اطلاع دقیق داریم که آیت‌الله کاشانی با شاه همکاری میکرد و علیه مصدق دست به دسیسه‌چینی میزد . مثلا آیت‌الله کاشانی در زمانی که ما از مصدق حمایت می‌کردیم سعی کرد که حزب ما را علیه مصدق و به نفع شاه سوق دهد . او با حزب ما تماس گرفت و به ما پیشنهاد کرد که اجازه علنی شدن حزب ما را از شاه بگیرد و ما در ازاء این امتیاز از مصدق حمایت نکنیم البته ما این پیشنهاد را رد کردیم . یکی از اتهاماتی که به حزب توده می‌زنند رابطه حزب شما با تیمسار بختیار رئیس ساواک شاه که بعداً در عراق بر علیه شاه فعالیت می‌کرده است در این باره چه توضیحی دارید ؟

ساله دو جنبه دارد زمانی که رادمش دبیرکل حزب بود به عراق رفت و در بغداد صدام‌حسین به او گفت که تیمسار بختیار هم در بغداد است و تمایل دارد که با او و حزب توده همکاری کند . رادمش به صدام‌حسین جواب داد که با بختیار ملاقات نخواهد کرد زیرا او جلال است صدام‌حسین خیلی اصرار و یافتاری کرده بود اما رادمش نپذیرفت . بنابراین رابطه‌ای بین حزب ما و بختیار وجود نداشت جنبه دیگر قضیه این است که شخصی بنام عباس شهریاری رئیس تشکیلات تهران حزب توده با بختیار ارتباط داشت او از فعالین مبارزات کارگری بود و در شورای متحده کار میکرد ولی بعدها پلیس شده و به خدمت ساواک درآمده بود . رفیق رادمش که مسئول تشکیلات ایران بود به او اعتماد داشت . ولی ما بتدریج به عباس شهریاری مشکوک شدیم زیرا هر کس را که به ایران می‌فرستادیم دستگیر می‌شد حتی دو نفر از رفقای ما یعنی سرگرد رزمی و معصومیان که داوطلبانه و مخفیانه برای فعالیت به ایران آمده بودند و احتمالاً رابطه عباس شهریاری و ساواک را کشف کرده بودند دستگیر شده و تاکنون ما

هیچ خبری از آنها نداریم و هنوز هم نتوانسته‌ایم ردیاب آنها را پیدا کنیم . آنها بدست ساواک شهید شدند . اما اسم آنها نه جزء اسامی زندانیان سیاسی است و نه جزء شهدای اعلام شده . هنگامی که روشن شد عباس شهریاری با ساواک همکاری میکند ما رادمش را از سمت خود برکنار کردیم من مامور شدم به عنوان قائم‌مقام دبیر اول موقتاً کار کنم و در پلنوم کمیته مرکزی به انفساق آراء من دبیرکل حزب شدم بهرحال اینسرا می‌خواستم بگویم که عباس شهریاری با بختیار رابطه داشت نه حزب توده .

شما را بسیار خسته کردیم و سیاست‌گراریم هم بخاطر اینکه وقت خود را به ما دادید و هم به خاطر صداقت شما و برداشتهای تازه‌ای که مطرح کردید آخرین پرسش را به اولین پرسش آغاز گفتگو برمی‌گردانم که اوضاع ایران را چگونه می‌بینید آنجا شما پاسخی تحلیلی دادید حالا می‌خواهم تأثیری را که وضع کلی کشور و مردم که پس از اینهمه سال دوری از وطن بر شما گذاشت بدانیم . اولاً خیلی خوشحالم که بعد از ۳۰ سال توانستم دوباره به ایران بیایم هرچه باشد بالاخره آدمی در مهاجرت با همه محبت‌هایی که به آدم می‌شود غریبه و خارجی است اینجا مملکت من است پس از سالها در جانی زندگی میکنم که به آن تعلق دارم خوب و بدش هم مال ما است آدمی در میهن در جانی زند میکند که میتواند راجع به اوضاع آن اظهار عقیده کند خود را در سرنوشت آن سهم بداند ... از طرفی دیدن خانواده هم بود در این سالها که من نبودم خیلی‌ها مرده‌اند و صرفنظر از اینها چیزهای جالبی در ایران به چشم می‌خورد که حتی در مثالهای جزئی و ظاهراً پیش‌پا افتاده .

از نظر خلقیات مردم ما شاهد یک دگرگونی دوگانه هستیم پدیده‌ای که برای من غیرمنتظره بود آگاهی وسیع و رشد دانش سیاسی در میان جوانان مملکت است دولت طاغوتی تمام تلاش خود را در این جهت متمرکز کرد که جوانان را با الگوهای آمریکائی تربیت کند و آنها را از تفکر و اندیشه باز دارد اما کاملاً شکست خورده است البته سطح آگاهی علمی و فنی خیلی پائین‌تر از سابق است اما سطح آگاهی سیاسی فوق‌العاده بالا است . آقای اسکندری یکبار دیگر سیاست‌گراریم .

پایان

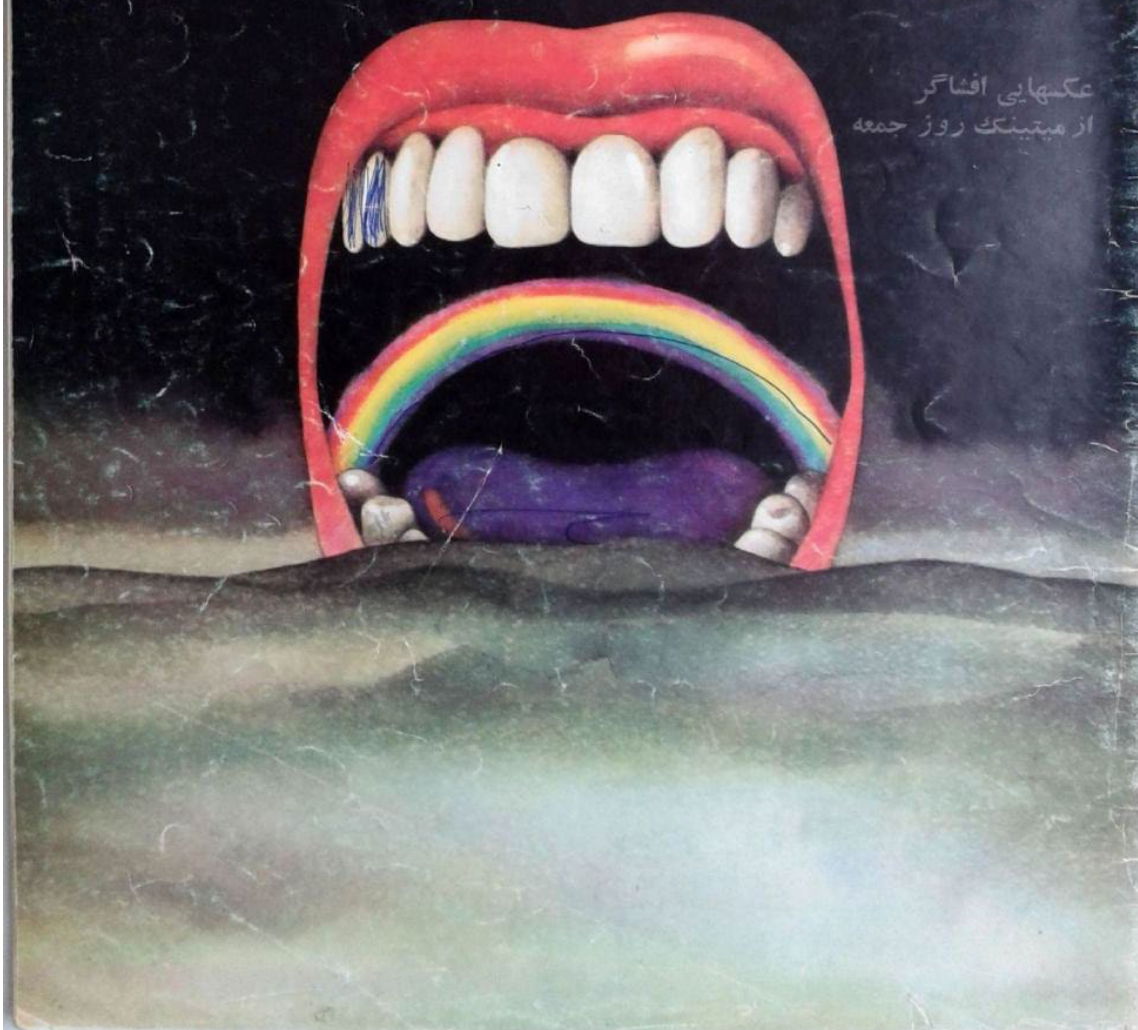
۵۰ ریال

تهدید از محمود

جمعه ۸ تیر ۱۳۵۸ - شماره ۲۳ - سال سی و هفت

فریادهای تازه اوج گرفت

عکسهایی افشاگر
از میتینگ روز جمعه

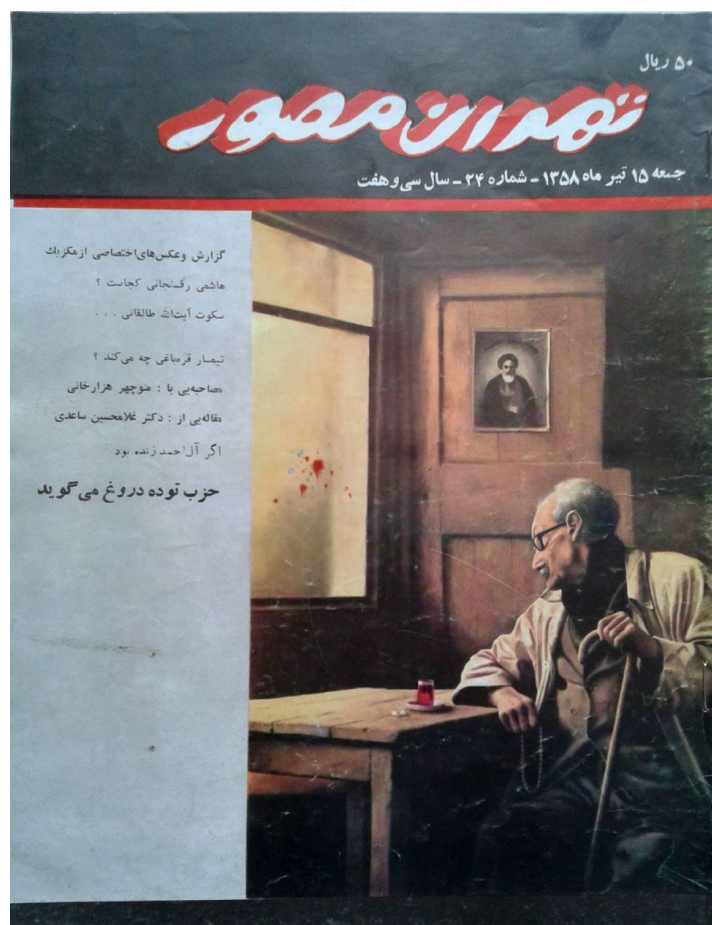


فهرست

۳۶	نفت ، بحران آینده ...	۱۴	مقاله محمود بهنود	۲۱	تلفن خوانندگان
۳۷	حمید اشرف ، اسطوره معاصر	۱۶	اتحاد نامقدس با ساراك	۳	كاريكاتور
۴۰	دنیای بزرگ کتابخوانان	۱۷	حمله به آزادی	۴	كلام نخست
۴۲	نامه خوانندگان	۲۲	مصاحبه با سپانلو	۵	یادداشتهای کوجه انقلاب
۴۳	سنگ و صخره	۲۶	هنرمندان و انقلاب	۶	صفحات ویژه ایران
۴۷	مطبوعات پس از انقلاب	۲۸	آی روشنفکران ! کجا تشریف دارید	۱۱	مقاله کیژاد
۵۰	پراکندهها	۳۲	باید منتظر سقوط کارتر بود	۱۲	برداشتی از رویدادها ...

تکذیب اسکندری!

در ارتباط با مصاحبه‌ی تهران‌مصور با آقای ایرج اسکندری «تکذیب»هایی با امضای ایشان در روزنامه‌ها چاپ شده بود .
از آنجا که هم ما و هم آقای اسکندری می‌دانیم که ایشان نه فقط آنچه چاپ شد ، بلکه بسیار بیش از آن نیز گفته‌اند . لذا چاپ این تکذیب‌ها فقط آن فضای پلیسی و اختناق‌گدیزی حزب توده‌یی را نشانگر است . بیش از این توضیح نمی‌دهیم .



گزارش و عکس‌های اختصاصی از مکزیک
هاشمی رنگینجانی کجاست ؟
سکوت آیت‌الله طالقانی ...
تیمسار قرمبانی چه می‌کند ؟
مصاحبه‌یی با : منوچهر هرارخانی
مقاله‌یی از : دکتر غلامحسین ساعدی
اگر آل‌احمد زنده بود
حزب توده دروغ می‌گوید

فهرست

۲۲	مصاحبه با منوچهر هرارخانی	۲	نظمن خوانندگان
۲۸	مقاله عبدالله والا	۳	کاریکاتور
۳۰	سگ و صخره	۴	کلام نخست
۳۲	نامه خوانندگان	۵	حزب توده دروغ می‌گوید
۳۶	سینما	۶	شایعات
۳۵	مصاحبه با يك فلسطينی	۸	صفحات ویژه حوادث ایران
۳۶	۱۰۰ هزار چشم بادامی	۱۲	وقتی سلوله بسوی شاه ...
۴۲	یاد بهترین فرزندان ایران	۱۳	امر امریکا در خلیج فارس ...
۴۴	مطبوعات پس از انقلاب	۱۴	مقاله معود بهنود
۴۶	تحصن کارمندان کانون پرورش	۱۶	مقاله غلامحسین ساعدی
۵۰	پراکنده‌ها	۱۸	رنس کسه نونهر
		۱۹	طرزهای اختناق

نوار مصاحبه اسکندری، در دفتر تهران
مصور موجود است، آنرا تکثیر می‌کنیم
تا رهبران حزب شرم آورند

حزب توده دروغ می‌گوید

... در تحلیل اشتباهات حزب در
دوران مبارزه ملی شدن نفت آقای
اسکندری گفته است:

ما بورژوازی ملی را شناختیم و
علت آن هم این بود که این فکر برای
رفقای ما در ایران بوجود آمده بود که
مصدق آمریکائی است و آورنده این تز
به هیأت اجرائیه مقیم تهران قاسمی بود.
در آنزمان کیانوری جزء باند
قاسمی بود؟

— بله اما اینرا از قول من نگوئید.
بله. او هم بود. شورویها در قضیه مصدق
سکوت کردند و سکوت آنها هم غلط بود
آن موقع در ره استالین بود و کسی هم
نمی‌توانست حرفی بزند. استالین باید
تصمیم می‌گرفت که حمله کنند یا نه؟
پشتیبانی بشود یا نه؟

پارهای از گفته‌های اسکندری در
برابر پرسش مربوط به تضادهای داخلی
حزب در مرحله کنونی را می‌آوریم.
س. آیا هم‌اکنون در درون حزب
روندی وجود دارد که درصدد بازآرزیابی
اشتباهات حزب باشد؟

بله به علاوه چیزی به شما بگویم که
نویسید. اگر حزب را یکطرف بگذاریم
و نیروهای دیگر چپ را یکطرف این
نیروها نمی‌توانند در حزب نفوذ نداشته
باشند به شرطی که بخواهند این کار را
بکنند. آنها باید حرفهای خود را
بنویسند. . . این نیروها باید اعضا و
رهبری حزب را در مقابل این امر
بگذارند که یا اتحاد را قبول کند و یا
اینکه خودش افشاء شود و این امر حزب
را به سوی اتخاذ پوزسیون صحیح
می‌راند.

— نیروهای چپ می‌گویند باند
خاصی برحزب مسلط است و در درون
حزب روابط ده‌وکراتیکی وجود ندارد

بقیه در صفحه ۴۷

آن که در این میان يك جوجه توده‌یی که به
استاد دو سه بار حضور در هیات تحریریه کیهان
خود را روزنامه‌نویس می‌داند — قدقندی کرده
است که «استاد و مدارک علیه سردبیر تهران‌مصور
را انتشار می‌دهیم!»

حقیقت آن بود که خواندید. رهبران حزب
توده که حسابشان با اعضای این حزب کاملاً
جداست دروغگو و لافزن‌اند — این اتهام منقماً
از سوی هیات تحریریه تهران‌مصور به آقای
کیانوری و دارو دستشان وارد می‌آید و در هر
دادگاهی حاضر به اثبات آنیم. شکایت کنند.
ما به رعایت احترام آقای اسکندری آنچه را در

* بعد از چاپ مصاحبه اسکندری در
تهران‌مصور او را به محاکمه کشیدند و
از قولش «تکذیب» جعل کردند و او
را متهم به «تحریر» حقایق کردند.
* يك جوجه توده‌یی تهدید کرده که
اسناد و مدارکی علیه سردبیر تهران‌مصور
منتشر می‌کند!

باره کیانوری گفته بود، خواست و چاپ نکردیم
و اینک اعلام می‌کنیم که نوار صدای آقای ایرج
اسکندری را تکثیر کرده‌ایم. در دفتر تهران-
مصور موجود است، همه‌ی مردم می‌توانند برای
شناخت رهبران فعلی حزب توده و آگاهی یافتن
به مسائل پشت پرده این حزب از زبان یکی از
رهبران آن، آنرا از دفتر مجله خریداری کنند.
قیمتهایی از این نوار چنین است:

در پاسخ به مسأله وابستگی حزب
نوده به شوروی آقای اسکندری گفته‌است:
من به شوروی به عنوان يك کشور
سوسیالیستی احترام گذاشتم اما من
سرباز این کشور نیستم. من ایرانی
و عضو حزب توده‌ام. بنده معتقد نیستم
که حزب (که‌وئیست شوروی) و یا يك
نفر از آنها و یا سفارت آنها دستور بدهند
و ما بگوئیم چشم خیلی خوب! در این
صورت دیگر احتیاجی به کمیته مرکزی
و هیأت اجرائیه نیست.

وقتی چهار هفته پیش عباس اسکندری را
برگزیدیم تا مصاحبه‌یی با او داشته باشیم. نه
به دلیل عضویت او در شورای مرکزی حزب
توده بود، نه برای خوشایند توده‌یی‌ها، تاریخ
۳۰ ساله اخیر را که بخوانید می‌بینید او آدم
مهمی بوده است که همواره نقش اعتدالی بیسن
رهبران «مامور و معذور» حزب توده را ایفا کرده
است.

وقتی همکاران، از ۳ دوره مصاحبه با او
باز آمدند، این اعتقاد قوی‌تر شده بود که
حساب او از حساب رهبران فعلی حزب جداست.
بنابراین ما در برابر خواست آقای عباس
اسکندری که پس از بیانه شدن نوار مصاحبه‌شان،
يك بار نیز متن مصاحبه را ببینند، موافقت
کردیم و در این مرحله بسیاری از آنچه گفته
شده بود، حذف شد. و ما در این مورد از
آنچه وظیفه روزنامه‌نگاری حکم می‌کند، فرار
رفتیم و مصلحت اندیشی‌های ایشان را امکان
دادیم.

پس از چاپ قسمت اول مصاحبه و شی که
دیگر شماره ۳ زیر چاپ رفته بود با خبر شدیم
پس از يك جلسه محاکمه‌گونه حزبی پرچوش و
خروش آنچنان اسکندری را به جان آورده‌اند
که او به هر آن کس می‌توانست متوسل شد، قسمت
دوم مصاحبه‌اش چاپ نشود. در همان موقع ما
دانستیم متنی به امضای او برای روزنامه‌ها
فرستاده شده که قسمتهایی از گفته‌هایش در
مصاحبه با «تهران‌مصور» را تکذیب می‌کند —
اطمینان داشتیم کار خود اسکندری نیست، چرا
که او خود می‌دانست صدایش در طول مصاحبه
صفت شده و در برابر نوار موجود نمی‌توان
«تکذیب» کرد.

در آنجا چیزی نگفتم و گفتمیم. حملات
در روزنامه ارمان حزب توده به تهران‌مصور
شروع شد. اهمیت ندادیم. سرانجام هفته پیش
توضیح دادیم که از فضای پلیسی داخل آن حزب
ناخبریم و نسبت «تحریر حقایق» را رد کردیم،
در این هفته اتفاقات تازه افتاد.

باز دوباره روزنامه‌مردم با تیر بزرگ
«تحریر» و «جعل» نام تهران‌مصور را آورده
بود. دیگر سکوت را جایز نشمردیم. به‌ویژه

حزب توده دروغ می گوید

و انتقادات از طرف این باند در درون حزب مطرح نمی شود ؟

— بنویسند بکنارید عکس العمل اعضای حزب در مقابل این حرف معلوم شود البته به صورت دشمنی ننویسند چون تأثیر منفی میگذارد .

البته متأسفم که مجبورم چیزهایی را بگویم که من قاعدتاً نباید گفته باشم این حرف را که گفتید درست است باید آنرا درهم شکست و رفقا و نیروهای دیگر می توانند کمک کنند برای درهم شکستن این عامل .

راجع به آقای کیانوری آقای اسکندری گفته است :

يك کسی که بعد از شهریور بیست عضو هیأت تحریریه روزنامه مردم بود پرریوز به من گفت که یکی از دلائل مخالفت او با کیانوری این است که يك روز کیانوری به دفتر هیأت تحریریه مردم می آید و شروع میکند به تهدید اعضای تحریریه و فحش دادن به آنها که چرا علیه هیتلر چیز می نویسند من

البته نمی دانم این حرف درست است یا نه ولی آنکه اینرا به من گفت اضافه کرد که حاضر نیست در حزبی عضو باشد که کیانوری دبیر آنست زیرا خود شاهد آن بوده است که کیانوری تهدید کرده است که نباید علیه هیتلر چیزی نوشته شود این بهماند خلاصه باید بگویم که این مسأله یعنی حرف دوستان استبعادی هم ندارد کیانوری در دوره هیتلر در آلمان تحصیل کرده است و در آن موقع تا آن حد که من اطلاع دارم نمی شد دانشجو بود و عضو جوانان هیتلری نبود . البته این حدس است شاید هم نبوده ولی حرف آن رفیق چندان دور نیست .

در مورد وابستگی حزب به شوروی :

— دکتر مصدق مرا مثل پسرش دوست داشت يك روز من پیش او بودم و در آن زمان رفقا يك چیزی اختراع کرده بودند و متأسفانه « احسان طبری » برداشته بود و از روی جوانی يك صفحه نوشته بود در این باره به نام « حریم شوروی » در ایران . من نزد مصدق از دهنم در رفت و گفتم حریم شوروی . مصدق يك قلم تراش ، چاقو از جیب خود درآورد و گفت « تو مثل پسر من هستی دفعه دیگر اگر کله حریم شوروی و یا حریم هر کس دیگر رابه کاربری زبانت

را می برم . یعنی چه ؟ شمال ایران، حریم شوروی جنوب ایران حریم انگلستان پس حریم خودمان کجاست ؟ او درس بزرگی به من داد . دیدم که مصدق حرف حسابی میزند حریم شوروی حرف مزخرفی است که به دهان ما افتاده بود . به این ترتیب سیاهی به ذغال می ماند ، رهبران تازه مسلمان حزب توده که فقط ریزه خواران خوانی هستند که روزه ها . سیامک ها، کیوان ها و دهها تن با نثار جان خود گشوده اند . با خواندن این قسمت ها و باشنیدن نوار مصاحبه باید از اعضای خود شرم کنند و پاسخ ما را بدهند که با چه شهامتی دروغ غرنی کرده اند و « تهران مصور » را به « تحریف » و « توطئه » متهم ساخته اند . آخر تا کی دروغ بافی و گول زدن اعضاء و سیاست بازی و پشت هم اندازی به قصد پنهان داشتن واقعیت ها !؟

در روزنامه ارمان حزب توده مصاحبه ای با آقای اسکندری چاپ میشود با سئوالهایی مشابه آنچه در تهران مصور آمده بود و پاسخهایی متفاوت ، به قصد اعاده حیثیت از حزب و رهبرانش .

این دیگر نهایت وقاحت است . و ما میدانیم اسکندری تحت چه شرایطی به آن کار نرسیده است — اگر از قولش جعل نکرده باشد — و تعجب ما از اینست : او که می داند چرا حساب خود را از این مجموعه وقاحت جدا نکند !

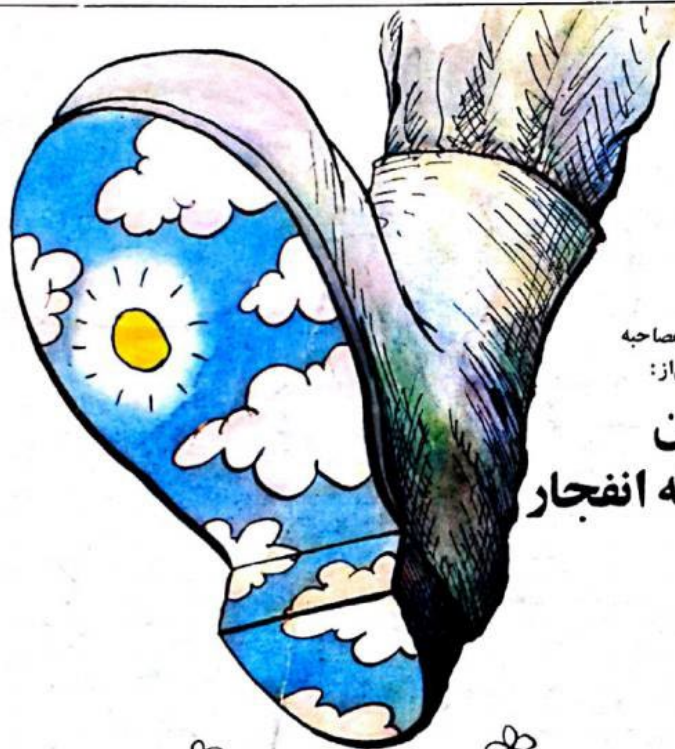
گردستان
شماره مخصوص

۵۰ ریال

تهدید منمورد

جمعه ۲۹ تیر ماه ۱۳۵۸ - شماره ۲۶ - سال سی و هفت

در بهار آزادی...؟!!



۱۳ صفحه عکس و مصاحبه
و گزارش اختصاصی از:

گردستان
در آستانه انفجار



KOCHAN

کلام نخست

تهران مصور

ساحبانمیار و مدیرمسئول : عبدشوالا

هفته‌نامه مستقل سیاسی و اجتماعی

شماره مسلسل ۲۶۲۱

نشانی هیات تحریریه : حیابان جردید جنوبی -

کوچه بقوی شماره ۲۱

تلفن : ۸۲۳۳۴۸

نشانی قست اداری : حیابان لاله‌زار - گمراندهل

تلفن شهرستانها : ۳۱۳۸۳۸-۹

آکمی‌ها : ۳۱۱۵۱۵

سر دبیر : مسعود بهنود

معاون تحریری : سروس علی‌نژاد

دبیر صفحات جهان : شهلا شریعتمداری

دبیر عکس : کاوه گلستان

عکسها از : محمد صیاد

طرح : داریوش رادپور

گزارشها : فرشیده آبادری

مصاحبه : ناهد موسوی

سینما و موزیک : حسن رهرو

محمدرضا شاهد

در درگیری با رهبران حزب توده ، « تهران مصور » موضع دفاعی داشت - یعنی آنها جنک را آغاز کردند ، با وسایل عقب‌افتاده‌یی چون تهمت و افترا ، ما را متهم به تحریف سخنان یکی از اعضای کادر رهبری این حزب کردند ، ما پس از تحمل بسیار ناگزیر پاسخ دادیم و اسناد خودرا در اختیار ملت ایران گذاشتیم . . .

در این درگیری زاویه‌یی وجود داشت که به احترام آن چند تنی که از این زاویه مقاله را دیده بودند ، مطرح کردند است :

- درگیری‌ها با رهبران حزب توده ، برخلاف بعضی تهمت‌ها ، به جهت موافقی که این حزب در ارتباط با جمهوری اسلامی دارد ، نبوده است . صدمات دوره تازه تهران مصور ، خود بهترین شاهد است که بسیاری از گروه‌هایی را که در ارتباط فوق‌العاده نزدیک با نظام حکومتی کنونی قرار دارند ، هرگاه دست به کار پسندیده‌یی زده‌اند ، تأیید کرده‌ایم . و این اصولاً سیاستی است که تهران مصور به جهت اعتقاد به « مستقل و ملی » بودن خود ، دنبال می‌کند و در مورد دولت و فساد دولت نیز به کار می‌گیرد . پس حزب توده که خودرا به زور به جمهوری اسلامی چسبانده نمی‌تواند از این طریق برای ما پرونده سازی کند !

- از سوی دیگر این درگیری ناگزیر بود و یک موضع گیری مشخص و از پیش ساخته به قصد مقابله « با نیروهای مترقی چپ » نبود و نمی‌توانست باشد . کافی است از سر انصاف ، دوره تازه تهران مصور بررسی شود و حدالاتی که به ما میشود و استدلال مخالفان را .

حزب توده از آنجا با ما چپ می‌افتد که بی‌پرده‌پوشی آنچه را که به مذاق رهبران‌شان خوش نمی‌آید ، درباره آنها ، پیشینه‌شان و امروزشان مطرح می‌کنیم . حال اگر آنها انتظار دارند که اگر شخصیتی در مصاحبه‌یی با تهران مصور چیزی از این دست گفت ، ما به جای چاپ آن ، نوار را به دفتر دبیرکل حزب بفرستیم . این از ما برندی‌آید و برهیچکس دیگر از جمله همکارانمان در نشریات ارگان آن حزب - و هر حزب و گروه دیگری نیز - نمی‌پسندیم .

باری ، استقبال عظیمی که در این دو هفته از نوار تکثیر شده آقای ایرج اسکندری در مصاحبه با همکاران ما ، به عدل آمد ، خود ما را از هر نوع توضیح و تذکری بی‌نیاز می‌کند . رو سیاهی به مدعیان و تهذت زندگان و آنها که تهدید می‌کنند ، می‌هاند . اعضای حزب توده و کادرهای پائین آن بخوبی در جریان بی‌پایه بودن استدلال آنها قرار گرفته‌اند !

به امید روزی که برای همدی ما بی‌توجه به ملک و مراممان ، اصل وحدت ایران باشد .

هیات تحریریه

فهرست

۴۶	مقاله بزرگ پورجعفر	۱۶	مقاله کرامت پورسلطان	۳	کاریکاتور داریوش رادپور
۴۸	سنگ و صخره	۱۸	مقاله هادی اسماعیل‌زاده	۵	یادداشت‌های هفته
۵۰	نامه زندانی	۲۰	نگاهی به مطبوعات	۶	شایعات
۵۱	پراکنده‌ها	۲۲	گزارشی درباره طب ملی	۸	ساوانک تازه . . .
		۲۷ - ۳۹	صفحات ویژه کردستان	۱۰ - ۱۳	خبرهای ایران
		۴۰	بازیه‌های پنهان . . .	۱۴	مقاله مسعود بهنود